www.INN.ir/sport
• شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ • ۲۸ ذیقعده ۱۴۴۷
• سال بیست و نهم • شماره ۸۱۱۶
iranvarzeshii
Iran Varzeshi Newspaper

ایران ورزشی

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
• سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
• سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
• تلفن: ۱۴ ـ۸۸۵۰۴۱۱۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
• چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ ـ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ ۸۸۷۴۶۵۸۳
• امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

انقلاب پهنه‌های هواداری

جام جهانی ۲۰۰۶ نه فقط به خاطر قهرمانی ایتالیا یا درخشش زیدان، بلکه به خاطر یک نوآوری اجتماعی ماندگار در تاریخ ثبت شد: «پهنه‌های هواداری» (Fanzones). ایده‌ای که برای اولین بار در مقیاس جهانی اجرا شد و چهره تماشای فوتبال را برای همیشه تغییر داد. این پهنه‌ها که مسابقات را روی صفحه‌های غول‌پیکر در فضاهای باز شهری نمایش می‌دادند، با حمایت مالی اسپانسرها راه‌اندازی شدند و به هوادارانی که بلیت ندارند اجازه دادند طعم بی‌نظیر حضور جمعی را بچشند. دیدنی‌ترین صحنه در دروازه برانденبورگ رقم خورد؛ جایی که برای بازی دور دوم آلمان برابر سوئد، تخمین زده می‌شود ۷۵۰ هزار هوادار فضای اطراف نماد تاریخی برلین را پر کردند. دریایی از پرچم‌های سیاه-قرمز-طلایی، فریادهای یکپارچه و شور و اشتیاقی که ثابت کرد فوتبال تنها به ورزشگاه‌ها تعلق ندارد. موفقیت این طرح به حدی بود که فیفا و کشورهای میزبان بعدی، پهنه‌های هواداری را به یکی از الزامات برگزاری جام تبدیل کردند. از آفریقای جنوبی تا برزیل و روسیه، این میراث ۲۰۰۶ همچنان زنده است. آلمانی‌ها نشان دادند چگونه می‌توان رویدادی بزرگ را به جشنی مردمی برای همه تبدیل کرد.

ویژه

شاهزاده پای چپ و رنسانس ژرمن‌ها

نسلی که چهره آلمان را عوض کرد

تا پیش از جام جهانی ۲۰۰۶، بسیاری از فوتبال‌دوستان در سراسر جهان، تیم ملی آلمان را با یک تصویر ثابت می‌شناختند؛ تیمی منظم، قدرتمند، اما سرد و ماشینی. آلمان همیشه برای بردن ساخته شده بود؛ تیمی که کمتر لبخند می‌زد، کمتر ریسک می‌کرد و بیشتر شبیه یک کارخانه تولید نتیجه بود تا یک تیم دوست‌داشتنی فوتبالی. اما تابستان ۲۰۰۶ در خاک آلمان، آغاز یک انقلاب بود؛ انقلابی که نه‌فقط سبک بازی مانشافت، بلکه تصویر جهانی فوتبال آلمان را برای همیشه تغییر داد.

در قلب این رنسانس، پسری با صورت کودکانه، لبخندی همیشگی و یک پای چپ مرگبار ایستاده بود؛ لوکاس پودولسکی. «پولدی» فقط یک مهاجم جوان نبود، بلکه نماد نسلی تازه از فوتبالیست‌های آلمان به شمار می‌رفت؛ نسلی که می‌خواست هم زیبا بازی کند، هم هیجان خلق کند و هم قهرمان شود.

پودولسکی متولد لهستان بود، اما در آلمان رشد کرد و به یکی از محبوب‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال این کشور تبدیل شد. او در جام جهانی ۲۰۰۶ تنها ۲۱ سال داشت، اما با جسارت، سرعت و شوت‌های سهمگینش، نگاه جهان را به خود خیره کرد. در همان تورنمنت بود که جایزه بهترین بازیکن جوان جام را بالاتر از نام‌هایی مثل کریستیانو رونالدو و لیونل مسی به دست آورد؛ اتفاقی که نشان می‌داد فوتبال آلمان صاحب نسلی متفاوت شده است.

ویژگی خاص پودولسکی فقط گل‌هایش نبود. فوتبال او بوی شادی می‌داد. وقتی توپ را می‌گرفت، انگار قرار بود اتفاقی غیرمنتظره رخ دهد. شوت‌های ناگهانی‌اش از پشت محوطه جریمه، مانند گلوله‌ای از پای چپش شلیک می‌شد و دروازه‌بانان را میخکوب می‌کرد. اما محبوبیت او بیش از هر چیز، از شخصیت صمیمی و مردمی‌اش می‌آمد. پودولسکی برخلاف کلیشه همیشگی بازیکنان آلمانی، گرم، شوخ‌طبع و بسیار نزدیک به هواداران بود.

در کنار او، میروسلاو کلوزه قرار داشت؛ مهاجمی آرام و کشنده که به‌طرز عجیبی مکمل پودولسکی بود. هر دو ریشه لهستانی داشتند و همین موضوع پیوند خاصی میان آنها ایجاد کرده بود. گفته می‌شد آنها در زمین به زبان لهستانی با هم صحبت می‌کنند تا مدافعان حریف متوجه نقشه‌هایشان نشوند. همکاری این دو مهاجم، یکی از خطرناک‌ترین خطوط حمله فوتبال ملی آلمان را ساخت. کلوزه با جایگیری‌های فوق‌العاده و تمام‌کنندگی دقیقش می‌درخشید و پودولسکی با پاس‌های برنده و شوت‌های انفجاری، مکملی ایده‌آل برای او بود.

اما شاید مهم‌ترین نماد تغییر چهره آلمان، رفاقت افسانه‌ای پودولسکی و باستیان شواین‌اشتایگر بود. «پولدی و شواینی» فقط دو بازیکن نبودند؛ آنها تصویر تازه‌ای از فوتبال آلمان بودند. شوخی‌هایشان در تمرینات، خنده‌هایشان روی نیمکت و صمیمیتی که در زمین مسابقه دیده می‌شد، باعث شد مردم جهان برای نخستین بار تیم ملی آلمان را تیمی دوست‌داشتنی ببینند. آن نسل جوان، فوتبال آلمان را انسانی‌تر کرد. دیگر خبری از آن چهره سرد و خشک دهه‌های قبل نبود. آلمان حالا تیمی بود که هم می‌جنگید، هم لبخند می‌زد و هم فوتبال تهاجمی بازی می‌کرد. همین تغییر باعث شد میلیون‌ها هوادار بی‌طرف در جام جهانی ۲۰۰۶ عاشق مانشافت شوند؛ تیمی که شاید قهرمان نشد، اما قلب فوتبال‌دوستان را فتح کرد.

پشت این تحول بزرگ، دو مغز متفکر قرار داشتند؛ یورگن کلینزمن و یوآخیم لوو. کلینزمن نخستین کسی بود که جرأت کرد سنت‌های قدیمی فوتبال آلمان را بشکند. او به جوان‌ها اعتماد کرد و اجازه داد تیمش با آزادی بیشتری بازی کند. پس از او، لوو همان مسیر را ادامه داد و با اضافه کردن ستاره‌هایی مانند مسوت اوزیل، توماس مولر و تونی کروس، پروژه‌ای را کامل کرد که سرانجام در سال ۲۰۱۴ به قهرمانی جهان رسید.

پودولسکی شاید بزرگ‌ترین بازیکن تاریخ آلمان نبود، اما بدون تردید یکی از محبوب‌ترین‌ها بود. او در ۱۳۰ بازی ملی، ۴۹ گل به ثمر رساند و سال‌ها یکی از ستون‌های مانشافت باقی ماند. با این حال، میراث واقعی‌اش فقط در آمار خلاصه نمی‌شود. پودولسکی نماینده نسلی بود که ثابت کرد فوتبال آلمان می‌تواند هم مؤثر باشد و هم زیبا.

پایان داستان او هم شبیه یک فیلم سینمایی بود. در سال ۲۰۱۷، پودولسکی در دیدار خداحافظی برابر انگلیس، آخرین گل ملی‌اش را با یک شوت موشکی و تماشایی از فاصله‌ای دور به ثمر رساند؛ همان پای چپی که سال‌ها نماد هیجان فوتبال آلمان بود. ورزشگاه غرق در تشویق شد و «پولدی» با چشمانی اشکبار از زمین خارج شد؛ شاهزاده‌ای که نه‌فقط با گل‌هایش، بلکه با لبخند و رفاقتش، چهره فوتبال آلمان را برای همیشه تغییر داد.

مروری بر جام جهانی ۲۰۰۶

جشنواره اخراج و وداع تلخ یک اسطوره

گزارش یک

جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، یکی از جنجالی‌ترین، احساسی‌ترین و فراموش نشدنی‌ترین دوره‌های تاریخ فوتبال بود؛ تورنمنتی که همزمان زیبایی، خشونت، تراژدی و شکوه را در خود جای داد. هجدهمین دوره جام جهانی از ۹ ژوئن تا ۹ ژوئیه ۲۰۰۶ در آلمان برگزار شد و میلیون‌ها هوادار فوتبال را در سراسر جهان پای تلویزیون‌ها نشاند. آلمان که پس از ۳۲ سال بار دیگر میزبانی این رقابت‌ها را برعهده گرفته بود، با سازماندهی کم‌نقص، شور هواداران و ورزشگاه‌های مدرن، تصویری باشکوه از فوتبال ارائه داد؛ اما در دل این جشن جهانی، اتفاقاتی رخ داد که هنوز هم از آنها به عنوان نمادهای فراموش‌نشدنی تاریخ جام جهانی یاد می‌شود.

در مرحله مقدماتی این مسابقات، ۱۹۸ تیم از قاره‌های مختلف حضور داشتند و پس از رقابت‌هایی طولانی، ۳۲ تیم جواز حضور در مرحله نهایی را کسب کردند. مسابقات در ۱۲ شهر آلمان از جمله برلین، مونیخ، هامبورگ و دورتموند برگزار شد و فضای فوتبال در سراسر کشور به یک جشن ملی تبدیل شده بود. خیابان‌ها مملو از هوادارانی بود که با پرچم‌های رنگارنگ، شب و روز فوتبال را زندگی می‌کردند.

برای فوتبال‌دوستان ایرانی، جام جهانی ۲۰۰۶ با امیدهای فراوان آغاز شد اما پایانی تلخ داشت. تیم ملی ایران با هدایت برانکو ایوانکوویچ در گروه D با پرتغال، مکزیک و آنگولا همگروه شد؛ گروهی دشوار که بسیاری آن را «گروه مرگ» می‌نامیدند. ایران در نخستین دیدار برابر مکزیک تا پایان نیمه نخست نمایش امیدوارکننده‌ای داشت و حتی بازی با تساوی دنبال می‌شد، اما در نیمه دوم اشتباهات دفاعی باعث شد مسابقه با شکست ۳ بر ۱ به پایان برسد.

در دومین مسابقه، ایران مقابل پرتغال لوئیز فلیپه اسکولاری قرار گرفت؛ تیمی که ستارگانی چون کریستیانو رونالدو، لوئیز فیگو و دکو را در اختیار داشت. شاگردان برانکو نمایش منظم‌تری ارائه دادند، اما دو گل پرتغال باعث شد دومین شکست نیز رقم بخورد و حذف ایران قطعی شود. دیدار پایانی برابر آنگولا با تساوی ۱-۱ خاتمه یافت تا ایران تنها با یک امتیاز، جام جهانی را ترک کند. بسیاری از کارشناسان اعتقاد داشتند نسل طلایی فوتبال ایران در آن سال‌ها، توانایی صعود به مرحله بعد را داشت، اما ضعف تاکتیکی و اشتباهات فردی فرصت درخشش را از بین برد.

در سوی دیگر، آلمان میزبان با هدایت یورگن کلینزمن یکی از جذاب‌ترین تیم‌های مسابقات بود. بازی افتتاحیه مقابل کاستاریکا با پیروزی ۴-۲ ژرمن‌ها همراه شد و فیلیپ لام با شوتی تماشایی نخستین گل جام را به ثمر رساند. فوتبال هجومی و سرعت بالای آلمان، هواداران این تیم را امیدوار کرده بود تا پس از سال‌ها دوباره جام را فتح کنند.

آلمان در مرحله یک‌هشتم نهایی سوئد را ۲ بر صفر شکست داد و سپس در یکی از حساس‌ترین مسابقات تاریخ جام جهانی، مقابل آرژانتین قرار گرفت. آن دیدار نفسگیر پس از تساوی ۱-۱ به ضربات پنالتی کشیده شد و درخشش پنس لمان، دروازه‌بان آلمان، میزبان را راهی نیمه‌نهایی کرد. اما رؤیای قهرمانی در نیمه‌نهایی برابر ایتالیا نابود شد. مسابقه تا دقایق پایانی وقت اضافه بدون گل دنبال می‌شد، اما ناگهان فابیو گروسو و الساندرو دل‌پیرو در دقایق پایانی دو گل تاریخی به ثمر رساندند تا ایتالیا راهی فینال شود و ورزشگاه دورتموند در سکوت فرو برود.

جام جهانی ۲۰۰۶ تنها به خاطر مسابقات جذابش مشهور نشد؛ این تورنمنت به خشن‌ترین دوره تاریخ جام جهانی نیز شهرت پیدا کرد. داوران در طول ۶۴ مسابقه، ۳۴۵ کارت زرد و ۲۸ کارت قرمز نشان دادند؛ آماری که رکوردی تاریخی محسوب می‌شد. اوج خشونت در دیدار پرتغال و هلند در مرحله یک‌هشتم نهایی رقم خورد؛ مسابقه‌ای که بعدها به «نبرد نورنبرگ» معروف شد. در آن بازی، داور روسی مسابقه ۱۶ کارت زرد و ۴ کارت قرمز نشان داد؛ صحنه‌ای بی‌سابقه که هنوز هم از آن به عنوان یکی از جنجالی‌ترین مسابقات تاریخ فوتبال یاد می‌شود.

اما تمام اتفاقات جام جهانی ۲۰۰۶ زیر سایه فینالی قرار گرفت که به یکی از دراماتیک‌ترین پایان‌های تاریخ ورزش تبدیل شد. فینال در ورزشگاه المپیک برلین میان فرانسه و ایتالیا برگزار شد. فرانسه با رهبری زین‌الدین زیدان، ستاره افسانه‌ای فوتبال جهان، به دنبال دومین قهرمانی خود بود و ایتالیا می‌خواست چهارمین جامش را به دست آورد.

فقط هفت دقیقه از آغاز مسابقه گذشته بود که زیدان با خونسردی کامل، پنالتی فرانسه را به سبک پاننکا وارد دروازه جانلوئیجی بوفون کرد؛ ضربه‌ای که به یکی از نمادین‌ترین گل‌های تاریخ جام جهانی تبدیل شد. اما ایتالیا خیلی زود پاسخ داد و مارکو ماتراتزی با ضربه سری قدرتمند بازی را مساوی کرد. مسابقه با تساوی ۱-۱ به وقت اضافه کشیده شد و همه منتظر ضربات پنالتی بودند، اما در دقیقه ۱۱۰ حادثه‌ای رخ داد که تاریخ فوتبال را برای همیشه تغییر داد. زیدان و ماتراتزی در میانه میدان با یکدیگر درگیر شدند و ناگهان کاپیتان فرانسه با ضربه سری محکم به سینه مدافع ایتالیا کوبید. داور مسابقه پس از مشورت با کمک‌داور، کارت قرمز را مقابل زیدان بالا برد تا اسطوره فوتبال جهان در آخرین بازی دوران حرفه‌ای خود اخراج شود. تصویری که زیدان در سکوت و با نگاهی غمگین از کنار جام جهانی عبور می‌کند، هنوز یکی از ماندگارترین قاب‌های تاریخ ورزش است. بعدها مشخص شد ماتراتزی جملاتی توهین‌آمیز درباره خانواده زیدان بر زبان آورده بود، اما این توضیح هرگز نتوانست تلخی آن لحظه را از ذهن فوتبال‌دوستان پاک کند.

در ضربات پنالتی، ایتالیا بی‌نقص ظاهر شد و هر پنج ضربه خود را به گل تبدیل کرد. در مقابل، ضربه دیوید ترزگه به تیرک دروازه برخورد کرد تا ایتالیا با پیروزی ۵-۳، جام قهرمانی را بالای سر ببرد. بازیکنان ایتالیا در میان اشک و شادی جشن گرفتند و فرانسه در شوک فرو رفت.

در پایان مسابقات، میروسلاو کلوزه مهاجم آلمان با ۵ گل کفش طلای جام را به دست آورد. زیدان با وجود اخراج در فینال، عنوان بهترین بازیکن مسابقات را کسب کرد و توپ طلای جام جهانی به او رسید. جانلوئیجی بوفون نیز بهترین دروازه‌بان رقابت‌ها شد. همچنین رونالدوی برزیلی با ثبت پانزده‌همین گل خود در تاریخ جام‌های جهانی، رکورد گرد مولر آلمانی را شکست و به بهترین گلزن تاریخ جام جهانی تبدیل شد.

> فقط هفت دقیقه از آغاز مسابقه گذشته بود که زیدان با خونسردی کامل، پنالتی فرانسه را به سبک پاننکا وارد دروازه جانلوئیجی بوفون کرد؛ ضربه‌ای که به یکی از نمادین‌ترین گل‌های تاریخ جام جهانی تبدیل شد

نبرد نورنبرگ

شبی که فوتبال به رینگ بوکس تبدیل شد

گاهی فوتبال چهره دیگری هم دارد؛ چهره‌ای خشن، عصبی و بی‌رحم که می‌تواند یک مسابقه بزرگ را به میدان جنگ تبدیل کند. دیدار پرتغال و هلند در مرحله یک‌هشتم نهایی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، دقیقاً همان شبی بود که فوتبال از مسیر همیشگی‌اش خارج شد و بیشتر به یک مسابقه بوکس شباهت پیدا کرد تا یک نبرد فوتبالی.

۲۵ ژوئن ۲۰۰۶، ورزشگاه نورنبرگ آلمان میزبان دو تیمی بود که هر دو نسل درخشانی از بازیکنان را در اختیار داشتند. پرتغال با ستارگانی چون لوئیز فیگو، دکو و کریستیانو رونالدو وارد میدان شده بود و هلند نیز با بازیکنانی نظیر رود فن نیستلروی، آرین روبن و مارک فن‌بومل امید زیادی به صعود داشت. روی کاغذ همه‌چیز برای یک مسابقه تماشایی و فنی آماده بود، اما آنچه رخ داد، به یکی از جنجالی‌ترین و خشن‌ترین شب‌های تاریخ فوتبال تبدیل شد.

هنوز بازی کاملاً جا نیفتاده بود که خالید بولاحروز، مدافع خشن هلند، با تکلی بسیار خطرناک روی کریستیانو رونالدو رفت؛ خطایی که از همان ابتدا جو مسابقه را مسموم کرد. رونالدوی جوان که آن زمان تازه در حال تبدیل شدن به یک فوق‌ستاره جهانی بود، با چشمانی اشک‌آلود و مصدوم زمین را ترک کرد. همان صحنه کافی بود تا عصبانیت در ساق پای بازیکنان دو تیم جریان پیدا کند. از آن لحظه به بعد، توپ دیگر مهم‌ترین هدف بازیکنان نبود؛ انگار مأموریت اصلی، متوقف کردن حریف به هر قیمتی بود.

والنتین ایوانوف، داور روس مسابقه، خیلی زود کنترل بازی را از دست داد. هر خطا با اعتراض همراه می‌شد و هر برخورد، مقدمه یک درگیری تازه بود. کارت‌های زرد یکی پس از دیگری از جیب داور بیرون می‌آمدند اما نه بازیکنان آرام می‌شدند و نه خشونت مسابقه کمتر می‌شد. در نهایت، ایوانوف رکوردی تاریخی ثبت کرد؛ ۱۶ کارت زرد و ۴ کارت قرمز، آماری که هنوز هم در تاریخ جام جهانی بی‌سابقه است.

پرتغال در آن مسابقه با گل مانیچه ۱ بر صفر پیش افتاد، اما نتیجه بازی خیلی زود به حاشیه رفت. کاستینیا و دکو از پرتغال اخراج شدند و در سمت مقابل بولاحروز و جووانی فن‌برونکهورست کارت قرمز گرفتند. صحنه‌های لگدهای بی‌محابا، هل دادن‌ها، درگیری‌های لفظی و توقف‌های پیاپی، ریتم طبیعی فوتبال را از بین برده بود. تماشاگران به جای دیدن تاکتیک و تکنیک، شاهد جنگ اعصاب و خشونت بودند.

اما در میان تمام تصاویر عجیب آن شب، یک قاب از همه ماندگارتر شد؛ تصویری که شاید عصاره کامل دیوانگی آن مسابقه بود. دکو و جووانی فن‌برونکهورست، دو بازیکنی که در آن زمان هم‌تیمی بارسلونا بودند، پس از اخراج کنار هم روی پله‌های منتهی به رختکن نشستند، با هم صحبت کردند و حتی خندیدند؛ در حالی که هم‌تیمی‌هایشان در زمین هنوز مشغول درگیری بودند. آن تصویر، تضادی عجیب از رفاقت و خشونت را در دل یکی از پرتنش‌ترین مسابقات تاریخ فوتبال ثبت کرد.

پرتغال در نهایت با همان تک گل پیروز شد و به مرحله بعد صعود کرد، اما بهای سنگینی پرداخت. مصدومیت‌ها، محرومیت‌ها و خستگی ناشی از آن نبرد، تیم لوئیز فلیپه اسکولاری را فرسوده کرده بود. با این حال، آنچه از بازی پرتغال و هلند در حافظه فوتبال جهان باقی ماند، نه نتیجه مسابقه، بلکه شبی بود که فوتبال مرز میان رقابت و خشونت را گم کرد؛ شبی که «نبرد نورنبرگ» نام گرفت و برای همیشه به عنوان خشن‌ترین مسابقه تاریخ جام جهانی شناخته شد.

تکه کاغذ یک میلیون یورویی

راز صعود آلمان مقابل آرژانتین

در میان تمام لحظات فراموش نشدنی جام جهانی ۲۰۰۶، شاید هیچ صحنه‌ای به اندازه تکه کاغذ کوچک پنس لمان، دروازه‌بان آلمان، نماد هوش، تحلیل و بازی روانی در فوتبال مدرن نباشد؛ تکه کاغذی که بعدها به «کاغذ یک میلیون یورویی» مشهور شد.

در مرحله یک‌چهارم نهایی، آلمانِ میزبان مقابل آرژانتین پرستاره قرار گرفت؛ تیمی که بسیاری آن را مدعی اصلی قهرمانی می‌دانستند. ورزشگاه برلین غرق در هیجان بود و دو تیم یکی از نفسگیرترین مسابقات جام را برگزار کردند. آرژانتین با گل روبرتو آیالا پیش افتاد اما آلمان در دقایق پایانی با ضربه سر میروسلاو کلوزه بازی را مساوی کرد تا همه چیز به وقت اضافه و سپس ضربات پنالتی کشیده شود؛ همان لحظه‌ای که تاریخ ساخته شد.

پیش از آغاز پنالتی‌ها، اتفاقی ساده اما سرنوشت‌ساز رخ داد. آندریاس کوپکه، مربی دروازه‌بان‌های آلمان، تکه کاغذ کوچکی را به پنس لمان داد؛ یادداشتی که روی سربرگ هتل محل اقامت تیم ملی آلمان نوشته شده بود. روی آن کاغذ، عادات پنالتی‌زن‌های آرژانتین ثبت شده بود؛ اطلاعاتی دقیق درباره زاویه ضربات، نوع دویدن و رفتار بازیکنان هنگام زدن پنالتی. لمان آن کاغذ را داخل جورابش گذاشت و پیش از هر ضربه، با خونسردی آن را بیرون می‌آورد، چند ثانیه نگاه می‌کرد و دوباره در جای خود قرار می‌داد. این رفتار نه‌تنها به او اعتمادبه‌نفس می‌داد، بلکه ذهن پنالتی‌زن‌های آرژانتین را هم به‌هم می‌ریخت. روی آن کاغذ، نکاتی شبیه این نوشته شده بود: «ریکلمه؛ شوت محکم به سمت بالا و راست»، «کرسپو؛ گام‌های بلند، سمت راست؛ گام‌های کوتاه، سمت چپ» و «آیالا؛ ضربه زمینی به سمت راست».

اما نقطه اوج داستان، زمانی رقم خورد که استبان کامبیاسو پشت توپ ایستاد. او بازیکن تعویضی بود و نامش اصلاً روی آن کاغذ وجود نداشت. با این حال، لمان نمایش روانی‌اش را ادامه داد. دوباره کاغذ را بیرون آورد، با دقت به آن خیره شد و مستقیم به چشمان کامبیاسو نگاه کرد؛ انگار دقیقاً می‌دانست توپ به کدام سمت خواهد رفت.

کامبیاسو تردید کرد. شاید همان چند ثانیه کوتاه کافی بود تا ذهنش از تعادل خارج شود. ضربه‌اش را زد و لمان با شیرجه‌ای دقیق توپ را مهار کرد؛ مهاری که آلمان را راهی نیمه‌نهایی کرد و ورزشگاه را منفجر ساخت. آن لحظه فقط یک واکنش دروازه‌بانی نبود؛ پیروزی علم، تحلیل و جنگ روانی بر فشار مرگبار فوتبال بود.

سال‌ها بعد، آن تکه کاغذ کوچک به یکی از مشهورترین اشیای تاریخ فوتبال تبدیل شد. یادداشت چروکیده لمان در یک مراسم خیریه با قیمت باورنکردنی یک میلیون یورو توسط یک شرکت آلمانی خریداری شد و درآمد آن صرف کمک به کودکان نیازمند شد. اکنون این کاغذ در موزه تاریخ آلمان در شهر بن نگهداری می‌شود؛ یادگاری از شبی که فوتبال نشان داد گاهی سرنوشت بزرگ‌ترین مسابقات جهان، نه با قدرت پاها، بلکه با هوش، جزئیات و تسلط بر ذهن حریف تعیین می‌شود.